

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال هشتم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۴۰۰

آراستگی و پیراستگی در سیره نبوی ﷺ

ابراهیم دستلان

چکیده

رفتار پیامبر اعظم ﷺ برترین الگویی کمال جویی است. آن حضرت مظهر کامل و نماد برجسته آراستگی بوده است که با توجه به سیمای ظاهری و شمایل نمونه حضرت، جلوه و درخشش ویژه داشت. آراستگی ظاهری، رسیدگی به وضع ظاهری از نظر پاکی و پاکیزگی، نظم در پوشاک، چهره و... به منظور استفاده بهینه از امکانات موجود است که پیامبر ﷺ به آن توجه شایان داشته است. اسلام، روی اصل آراستگی ظاهر (هم‌چون آراستگی باطن) تاکید کرده است.

واژه‌های کلیدی: آراستگی، اسلام، سیره، پیامبر اکرم ﷺ.

مقدمه

پوشش و نحوه آرایش ظاهر، از جمله مواردی است که اغلب افراد بدان اهمیت می‌دهند. غالباً پوشش و ظاهر هر فردی نمایانگر نوع تفکر و شخصیت آن فرد است. برخی با ادعای اینکه توجهشان به آخرت و معنویات است به پوشش و ظاهر خود اهمیت نمی‌دهند و شلختگی و نامرتب بودن را نوعی ارزش برای خود تلقی می‌کنند و تنبلی خود را در آراسته نگه داشتن خود به حساب دین و معنویات می‌گذارند. در حالی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان یک شخصیت الهی و معنوی که در والاترین حد از معرفت و خداشناسی و زهد بوده‌اند و خداوند متعال ایشان را به عنوان الگو و اسوه برای همه معرفی کرده است به آراستگی و تمیزی و مرتب بودن خودشان اهمیت می‌داده‌اند. می‌فرماید: «خداوند زیبایی و آراستن را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، کراهت دارد»^۱.

آراستگی در برقراری و استحکام روابط تأثیرگذار است و این حقیقت انکار ناپذیر در سراسر هستی مشهود است. پیشوایان ما نیز به اهمیت آن اشاره داشته و خود پیش از هر شخص دیگری آن را به کار بسته و از محبوبیت آراستگی نزد خداوند خبر داده‌اند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «خداوند دوست می‌دارد که چون بنده اش به سوی برادرانش بیرون می‌آید، خود را برای آنها آماده و زیبا سازد»^۲. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به یکی از یاران خود می‌گوید: «نزد خدا، نمایان کردن نعمت، از نگه داشتن آن محبوب تر است. پس مبادا که جز در بهترین شکل مورد پسند قوم خود بیرون بیایی»^۳. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام که خود در غایت زهد و ساده‌زیستی بود، هرگز سهل انگاری در آراستگی و آراسته بودن را روا نمی‌دانست. روایتی از آن

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۰؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ».

۲. مکارم الاخلاق، الباب الاول، الفصل الخامس، ص ۳۵. «ان الله يُحِبُّ من عبده اذاخرج الى اخوانه ان يَتَّهَبَا لَهُمْ وَ يَتَّجَمَّلَ».

۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۰. «اظهار النعمة احب الى الله من صيانتها فإيتاك ان تَتَزَيَّنَ إِلَّا في أحسن زيِّ قومك».

حضرت نقل شده که نشان می‌دهد رفاقت و صمیمیت و خویشاوندی نباید باعث کوتاهی در این امر شود. آن حضرت فرمود: «هر یک از شما خود را برای برادر مسلمانان همان گونه بیاراید که برای بیگانه‌ای که دوست دارد وی را در بهترین شکل ببیند، می‌آراید»^۱.

مطلب دیگر این است که پیشوایان اسلام به تمایل جوان و خودآرایی و تجمل دوستی در چارچوب اخلاق و مصلحت جامعه توجه داشته‌اند و خودآرایی را برای جوان تحریم نکرده‌اند. در سیره پیامبر خدا ﷺ آمده است که هرگاه ایشان قصد خروج از خانه یا پذیرفتن کسی را داشت، موی سر خود را شانه می‌زد، سر و وضع خود را مرتب می‌کرد، خویشتن را می‌آراست و برای آنکه تصویر خود را ببیند، در ظرف آبی می‌نگریست. وقتی سبب این کار را می‌پرسیدند، می‌فرمود: «خداوند متعال دوست دارد که بنده‌اش چون به سوی برادران خود بیرون می‌رود خود را برای آن‌ها منظم کند و خود را بیاراید و زیبا سازد»^۲. هزینه‌ای که آن حضرت برای تهیه عطر و بوی خوش مصرف می‌کرد، از هزینه خوراکش بیشتر بود و در شب تاریک قبل از آنکه با چشم دیده شود، از بوی خوشی که از او در فضا پراکنده بود، شناخته می‌شد.^۳ از امام باقر ع نقل شده که رسول خدا ﷺ از هر کوی و برزنی که عبور می‌کرد، تا مدتی بوی خوشی فضای آنجا را معطر می‌ساخت به گونه‌ای که مردم می‌فهمیدند که رسول خدا ﷺ از آن محل عبور کرده است.^۴



۱. همان، ص ۴۳۹. «لِيَتَرَيْنَ آخِلَاكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَرَيْنَ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ».

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹؛ طباطبایی، سیدمحمدحسین، سنن النبی ج ۱ ص ۱۱۸. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ عَثَرَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَنْهَيْتَهُمْ لَهْمٌ وَ يَنْجَمَلٌ».

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.

۴. همان، ص ۲۴۹.

البته باید به این نکته هم توجه داشت که در این امر نباید از حد افراط و تفریط بیرون رفت. از این رو، مرزهایی برای آن بیان شده است، مثلاً در فقه پوشیدن لباس شهرت، خود را در پوشش، شبیه کافران در آوردن و پوشش با هدف فتنه انگیزی و... جایز دانسته نشده است. بر این اساس، همان طور که آراستگی حلال و شایسته موجب استحکام و ایجاد نشاط و سلامت در ارتباطها می شود، آراستگی ناشایست و حرام، با این امور منافات دارد و موجب مفسده برای فرد و جامعه می شود.

حکایتی نقل شده که علی علیه السلام جامه بهتر را به غلامش قنبر که جوان بود، داد تا تمایل زیباپسند قنبر را ارضا سازد. سپس خطاب به وی فرمود: «تو جوانی و مانند سایر جوانان به تجمل و زیبایی رغبت بسیار داری و به علاوه من از خدای خود حیا می کنم که لباس خودم بهتر باشد»^۱. بدون تردید ارضای میل خودآرایی و تجمل که فطری است، به تکامل و ذوق و شکفتن احساسات جوان کمک و روح و عاطفه او را تقویت می کند، ولی نباید جوان در این راه به زیاده روی و افراط گراید و از حد شایسته تجاوز کند، بلکه او همان گونه که به زیبایی بیرونی و ظاهری می پردازد، باید به جمال و زیبایی عقل، فکر، علم، هنر و اخلاق هم پردازد تا به وسیله هر دو زیبایی، انسانی تکامل یافته برای جامعه پدید آید. از آنچه گفته شد، نتیجه می گیریم که اسلام، روی اصل آراستگی ظاهر (همچون آراستگی باطن) تاکید کرده است.

بنابراین باید توجه داشت که اگر مسلمانی با وضع آشفته و ظاهری زشت و پریشان در جامعه ظاهر شود، بخصوص اگر از نظر شغلی، وابستگی به حکومت اسلامی داشته باشد، وجود او یکی از وسایل تبلیغ علیه اسلام خواهد بود. وارستگی از قید ظواهر، هرگز به این معنا نیست که شخص خود را از هرگونه

۱. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۲۴.

آرایش ظاهری محروم کند و بدین وسیله در نظر دیگران خوار و بی مقدار جلوه نماید. و از طرفی آراستگی، الزاماً مساوی با لباس نو یا گران قیمت پوشیدن نیست. بلکه تمیز و مرتب پوشیدن است؛ چراکه در حالات ایشان آمده است که خود لباسش را وصله می زد.^۱

مفهوم آراستگی

آراستگی یعنی آراسته بودن و عمل آراسته از نظر لغوی به معنای زینت دادن و تزئین کردن است. اما معانی دیگر مانند نظم و مرتب بودن، هماهنگ بودن و آماده و مهیا بودن نیز برای آن گفته شده است.^۲

آراستن به معنای زینت دادن و تزئین کردن و همچنین به معنای منظم و مرتب بودن، هماهنگ بودن و آماده و مهیا بودن نیز گفته شده^۳ که کاملاً مرتبط با معنای اول است؛ زیرا تزئین کردن به نوعی با نظم و تقارن و نیز هماهنگی همراه است و نشان دهنده آماده و مهیا بودن برای مقصود مورد نظر (مثلاً ملاقات دوست) است. در مقابل آراستن که معمولاً با افزایش همراه است، پیراستن قرار می گیرد که ویژگی آن کاستن و زدودن شاخ و برگ است.

اقسام آراستگی

آراستگی ظاهری با توجه به فرامین معصومین علیهم السلام بر دو قسم تقسیم می شوند:

آراستگی باطنی

قبل از پرداختن به آراستگی جسمی و ظاهری از منظر معصومان، به پاکیزگی روح و آراستن باطن در کلام آن بزرگواران می پردازیم. آراستگی روح را به سه بخش می توان تقسیم کرد:

۱. ارشاد دیلمی ج ۱ ص ۱۱۵.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۹.

۳. فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۹.



آراستگی اندیشه

این آراستگی را می توان به سه زینت اساسی خلاصه کرد: علم، حکمت و ادب.

علم: امام علی علیه السلام می فرمایند: «دانش، زینت دهنده ثروتمندان است (منظور از ثروتمندان یعنی کسانی که علم دارند) و بی نیازکننده فقرا (یعنی کسانی که علم ندارند و جاهل هستند)». ^۱ در حدیثی دیگر فرمود: «دانش والاترین و بلندترین زیور و هدیه (بخشیده شده) است». ^۲

حکمت: «فراگیر حکمت را پس بدرستی که آن زیوری است فاخر». ^۳ مراد از حکمت، علم راست و کردار درست است و فاخر، هر چیز نفیس و نیکوئیست.

ادب: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «ادب نیکو، زیور و زینت خرد و عقل است». ^۴

آراستگی گفتار

در این باره بحث فراوانی وجود دارد، اما خلاصه ای از آن را بیان می کنیم. منظور از آراستگی در گفتار، دروغ نگفتن، ناسزا نگفتن، دشنام ندادن، غیبت نکردن، تهمت نزدن، آبرو نریختن و غیر این هاست. چاره همه این گناهان سکوت است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «سکوت گنجی است فراوان و زینت شخص حلیم و بردبار و پوششی است برای جاهل و نادان». ^۵

آراستگی رفتار

منظور از آراستگی در رفتار، انصاف، وفا و بردباری، سخاوت و... است. در این زمینه روایات فراوانی هست. امام صادق علیه السلام می فرماید: «چنین است که وفا،

۱. غررالحکم، القسم الاول، الفصل الثانی فی العلم، ص ۴۲. «الْعِلْمُ زِينَةُ الْأَغْنِيَاءِ وَ غِنَى الْفُقَرَاءِ».

۲. غررالحکم، حدیث ۱۸۶۹. «الْعِلْمُ أَشْرَفُ حِلْيَةٍ وَ عَطِيَّة».

۳. غررالحکم، باب الاول المعرفة، الفصل السادس فی الحکمه. ص ۵۸. «عَلَيْكَ بِالْحِكْمَةِ فَإِنَّهَا الْحِلْيَةُ الْفَاحِشَةُ».

۴. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۰. «حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ».

۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۶، حدیث ۵۸۴۳. «الصَّمْتُ كَنْزٌ وَافِرٌ وَ زَيْنٌ الْحَلِيمِ وَ سِتْرٌ الْجَاهِلِ».



مردان را زینت می دهد».^۱ امام علی علیه السلام می فرماید: «زینت مصاحبت، تحمل کردن است»؛^۲ یعنی تحمل کردن بی ادبی های مصاحب (دوست) یا تحمل دیون و اخراجات و مؤنات او هرگاه و هر زمان که محتاج باشد. همچنین امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «سخاوت دوستی را کسب می کند؛ یعنی باعث می شود که مردم با او دوست شوند و خوبی ها و خصلت ها را زینت و آرایش می دهد».^۳

آراستگی عمومی و ظاهری

پاکیزگی گذشته از تأثیر بسزایی که در سلامت شخصی و اجتماعی انسان دارد، موجب دل پذیری و جلب نظر بیننده می شود، بلکه یکی از خواسته های فطری انسان است و با سرشت انسان آمیخته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «پاکیزگی جزئی از ایمان است».^۴ یعنی یکی از نشانه های مؤمن، پاکیزگی و آراستگی است. امام رضا علیه السلام می فرماید: «پاکیزگی از اخلاق انبیاست».^۵ در بعضی از روایات به موارد خاص نظافت اشاره شده است. امام صادق علیه السلام در قسمتی از حدیث خود می فرماید: «همانا خدا دوست دارد زیبایی و زیبانهایی را و زشت می دارد بدحالی و بدنمائی را. زیرا خداوند عزوجل چون نعمتی به بنده دهد دوست دارد اثرش را در او بیند، گفته شد، چگونه؟ فرمود: جامه خوب و پاکیزه و بوی خوش بزند و خانه خوب و گرد و غبار خانه را جاروب کند، تا این که چراغ را پیش از غروب خورشید روشن کند که



۱. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۳۲. «رَأَيْتُ الْوَفَاءَ يَزِينُ الرَّجَالَ».
۲. غرالحکم ، التجمال و الاحتمال، ص ۴۲۰، حدیث ۹۶۲۲. «زَيْنُ الْمُصَاحَبَةِ إِحْتِمَالٌ»
۳. همان، ص ۳۷۸، حدیث ۸۵۲۳ «السَّخَاءُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَ يَزِينُ الْأَخْلَاقَ».
۴. بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۲۵۷، باب ۳۰؛ طب النبی، ص ۱۹. «النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ»
۵. الکافی، ج ۵، ص ۵۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۲۴۳؛ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۵، باب ۲۶؛ تحف العقول، ص ۴۴۲، «مِنْ أُخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ النَّظْفُ».

فقر را ببرد و روزی را بیفزاید»^۱ در حدیثی از قول پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد شخصی آلوده چنین آمده است: «خداوند متعال شخص آلوده و ژولیده را دشمن می‌دارد»^۲. مسلمانان باید لباس‌های پاک و مرتب و تمیز بپوشند و موهای خود را شانه بزنند و این نعمت‌ها را هرگز بر خود حرام نکنند، بلکه از آن به نحو احسن بهره‌برداری نمایند.

فرق آراستگی با خودنمایی

انسان عقیف آراسته است، به گونه‌ای که جسم او وسیله‌ی جلب توجه دیگران قرار نمی‌گیرد اما هر قدر رشته‌های عفاف در روح انسان ضعیف شود نوع آراستگی به خصوص آراستگی در پوشش تغییر می‌کند و جنبه‌ی خودنمایی پیدا می‌کند. اما یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها کوچکی نفس در خودنمایی و سلامت نفس در آراستگی است.

موارد نهی شده

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اینکه بر آراستگی‌ها و زیبایی‌های مشروع تأکید داشت، اما مسلمانان، اعم از زن یا مرد را از برخی آراستگی‌ها و زینت‌های حرام برحذر می‌داشت. ایشان مردان را از پوشیدن لباس‌های ابریشمی، دیبا و خز نهی می‌کرد^۳ و استفاده از طلا را برای زینت بر مردان ممنوع می‌دانست. آن حضرت، طلا را زینت مشرکان و نقره را زیور مردان مسلمان معرفی کرده است.^۴ همچنین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنان را نهی می‌کرد که زینت و بوی خوش را برای غیر شوهران‌شان

۱. امالی طوسی، ص ۲۷۵؛ مسائل علی بن ابی طالب، ص ۲۲۹، احکام المساجد. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَجِبُ الْجَمَالَ وَالشَّجْمَلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً - أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا قِيلَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يَنْظِفُ ثَوْبَهُ وَ يَطْبِئُ رِيحَهُ - وَ يَحْسِنُ دَارَهُ وَ يَكْسُو أَقْبِيَّتَهُ سَخَى إِنَّ السَّرَّاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْهَى الْفَقْرَ - وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ».

۲. نهج الفصاحه، مترجم ابوالقاسم پاینده، کلمات قصار، ص ۳۰۴. کنز العمال، ج ۱۷، ص ۱۸۱. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغِضُ الْوَسِيخَ وَ الشَّعْثَ».

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۷؛ امالی صدوق، ص ۴۲۴ و مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴. الجامع الصغير، ج ۱، ص ۶۶۹ و کنز العمال، ج ۶، ص ۶۷۵؛ موسوی بردکشکی، سید جواد و حسینی ایمنی، سید علی اکبر، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۸۱.

استفاده کنند^۱ و به آنان سفارش می فرمود که پس از استفاده از بوی خوش در نماز جماعت حاضر نشوند.^۲ آن بزرگوار، گناه‌رساندن بوی خوش به مشام مردان نامحرم را همتای عمل زشت زنا برشمرده است.^۳

آراستگی در سیره نبوی ﷺ

سیمای ظاهری پیامبر اعظم ﷺ

مراد از سیمای ظاهری پیامبر اعظم ﷺ شمایل و ویژگی‌های جسمانی و مشخصات چهره و اندام مبارک آن حضرت ﷺ است، که در منابع روایی و تاریخی مختلف از شیعه و سنی بیان گردیده است. قطعاً نمی‌توان شمایل و اندام مبارک حضرت را بدون استناد به منابع تاریخی و روایی معتبر، توصیف و تحلیل کرد. طبیعی است که در مورد شمایل حضرت به ویژه اندازه‌ی موه‌های سر حضرت، روایات تعابیر و بیان‌های مختلف وجود دارد که نگارنده به ذکر روایاتی بسنده نموده است که بیشتر در نوشتارهای بزرگان مورد توجه قرار داده شده است. سیمای ظاهری و شمایل مبارک پیامبر اعظم ﷺ مثل چهره، مو، ابرو، چشم، دست و... چنان زیبا و متناسب آفریده شده بود که جلوه و زیبایی خاص داشت و با آراستگی ظاهری که خود حضرت انجام می‌داد، درخشش و نمود خاص و زیبایی غیرقابل توصیف پیدا می‌کرد به گونه‌ای که نمونه‌ی تمام اعصار گشت.

آراستگی ظاهری که از جمله ویژگی‌های ظاهری انسان است، عبارت است از رسیدگی به وضع ظاهری از نظر پاکیزگی، نظم در پوشاک، چهره، و... به منظور استفاده بهینه از امکانات موجود و لباس‌هایی که در عین سادگی، تمیز و



۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۵۷ و مکارم الاخلاق، ص ۴۲۵.

۲. السنن الکبری (نسائی)، ج ۵، ص ۴۳۳.

۳. مسند احمد، ج ۴، ص ۴۱۴؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۳۹۶ و ابن حبان، صحیح، ج ۱۰، ص

۲۷۱؛ موسوی بردکشی، سید جواد و حسینی ایمنی، سید علی اکبر، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ص ۸۱.

مرتب اند. به عبارت دیگر، رعایت نظم و پاکیزگی در پوشاک و چهره، به گونه ای که مانع از تنفر و آزرده‌گی دیگران گردد.

آراستگی ظاهر که نشانه ای از شخصیت، تربیت و فرهنگ انسانی است، فطرتاً محبوب و دوست داشتنی است که پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بدان توجه شایان داشته است. طبق روایات فراوان حضرت موه‌های سر و محاسن رابه موقع اصلاح می‌کرد. هر روز چندین مرتبه به آینه نگاه کرده و آنها را با شانه مرتب و منظم می‌نمود. او آراسته‌ترین فردی روزگار بود؛ لباس و پوششش که نقش بنیادین در آراستگی دارد، بهترین نوع، جنس و رنگ را انتخاب می‌کردند که در عین توجه داشتن به آراستگی ظاهری، با صرفه و ارزان و از نظر روحی و روانی نیز مفید و مؤثر و برای بدن نیز ضرری نداشته باشد. اینک جلوه‌های از آراستگی ظاهری حضرت که برای همگان بهترین الگو است به‌طور اختصار در چند حوزه یکی آراستن سر و صورت و دیگری لباس و پوشش و... پرداخته می‌شود: موی سر یکی از جلوه‌گرترین اجزای بدن است. زیبایی رو و صورت با موی سر جلوه پیدا می‌کند مخصوصاً در نزد بانوان. اگر فردی صورت، ابرو، چشم، لب و بینی زیبا داشته باشد ولی موی سر نداشته باشد، آن زیبایی جلوه نمی‌کند و چه‌بسا آن فرد را زشت نشان دهد. به همین دلیل، امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام سفارش‌هایی درباره موی سر بیان کرده‌اند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «از زیباترین زیبایی‌ها، موی نیکو و قشنگ است.»^۱ در جای دیگر می‌فرماید: «موی خوب و زیبا یک پوشاک خدائیسست پس آن را گرامی دارید.»^۲ امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «سه چیز است که از آداب و سنن پیامبران است، عطر زدن، مو گذاشتن و بسیار همبستر شدن.»^۳ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که اسلام

۱. الکافی، ج ۱، ص ۶۱۴. «إِنَّ مِنْ أَجْمَلِ الْجَمَالِ الشَّعْرَ الْحَسَنَ».

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹. «الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ كِسْوَةِ اللَّهِ فَأَكْرَمُوه».

۳. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۵. «ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعَطْرُ وَإِحْفَاءُ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الطَّرُوقَةِ».

مجسم است وضعیت ظاهری (سر و صورت) خود را کلاً به پنج طریق آراسته می‌نمودند: ۱- اصلاح موهای سر و صورت ۲- شستن موی سر و محاسن ۳- روغن مالیدن به آنان ۴- خضاب ۵- سرمه ۶- آینه و شانه.

در ادامه بر اساس آیات و روایات اصولی استخراج و بر سیره نبوی ﷺ تطبیق داده می‌شود:

اصل زینبندی در هنگام عبادت و در مکان همگانی

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ... قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»، «ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید... بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟»^۱

این دو آیه بیانگر آن است که مسلمانان باید لباس‌های پاک و مرتب و تمیز بپوشند و موهای خود را شانه بزنند و این نعمت‌ها را هرگز بر خود حرام نکنند، بلکه از آن به نحو احسن بهره‌برداری نمایند.

بر همین اساس، مطابق روایات متعدد، امامان عليهم‌السلام با تکیه به آیات فوق به جمال ظاهری نیز اهمیت بسیار می‌دادند؛ به عنوان نمونه: شخصی از امام حسن مجتبی عليه‌السلام پرسید: چرا هنگام برخاستن برای نماز، لباس‌های خوب و زیبا می‌پوشی و از بهترین لباس‌های استفاده می‌کنی؟ در پاسخ فرمود: «همانا خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد. به همین جهت من لباس‌های زیبا را برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم، و او دستور داده است که زینت خود را هنگام رفتن به مسجد بگیرید»^۲. عبّاد بن کثیر بصری به امام صادق عليه‌السلام که لباسی گران‌بها و زیبایی پوشیده بود، از روی اعتراض گفت: پدرت دارای زهد و تقوا بود و لباس خشن می‌پوشید، تو از خاندان رسالت هستی، اگر غیر از این لباس می‌پوشیدی،

۱. اعراف آیه‌های ۳۱-۳۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۸۵. «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي وَ هُوَ يَقُولُ: خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».



برای تو مناسب‌تر بود. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «وای بر تو ای عبّادا، چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده، حرام نموده است؟»^۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دوستم، جبرئیل به من گفت: یک روز در میان، خود را با عطر خوشبو کن، و در روز جمعه حتماً عطر بزن و آن را ترک نکن»^۲.

آراستگی حضرت رسول صلی الله علیه و آله بخصوص هنگام حضور در جمع مسلمانان در مسجد و برای خطبه و نماز، گوشه‌ی دیگری از سیره‌ی او را نشان می‌دهد. لباس نماز جمعه‌ی وی مخصوص بود: «کان له ثوب للجمعه خاصه»^۳ در بعضی روایات آمده که غیر از لباسی که در روزهای غیر جمعه می پوشید، دو جامه‌ی مخصوص برای جمعه داشت.^۴

اصل عدم رهبانیت و گشاده دستی در زندگی

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید؛ و از حدّ تجاوز ننمایید، زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد»^۵.

در شأن نزول این آیه روایت شده است: عثمان بن مظعون که از اصحاب مؤمن پیامبر صلی الله علیه و آله بود، با چند نفر دیگر تحت تأثیر بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد قیامت قرار گرفتند و تصمیم گرفتند خود را از پاره‌ای لذت‌های دنیا؛ از جمله آمیزش با همسر، محروم سازند و به روزه گرفتن و عبادت پردازند.

در همین ایام، همسر عثمان بن مظعون به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. عایشه دید او با این که زن جوانی است ظاهری ناآراسته و ژولیده دارد، به او گفت: چرا به

۱. احزاب (۳۳) آیه ۳۲. «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادِهِ».

۲. کافی، ج ۶، ص: ۵۱۱. «قَالَ لِي حَبِيبِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَام: تَطَيَّبْ يَوْمًا وَ يَوْمًا لَا، وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَا بَدَأَ مِنْهُ، وَلَا تَتْرُكْ لَهُ».

۳. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

۴. همان، ص ۲۵۱ و سنن النبی، ص ۱۲۱.

۵. مانند (۵) آیه ۸۷.



خود نمی‌رسی و زینت نمی‌کنی؟ او ماجرای عبادت همسرش را بیان کرد. پیامبر ﷺ از موضوع آگاه شد و همه مسلمانان را به مسجد دعوت کرد، و فرمود: «آگاه باشید! من هرگز شما را دستور نمی‌دهم که هم‌چون کشیشان مسیحی و رهبانان، دنیا را ترک کنید. این گونه مسائل و دیرنشینگی در آیین من نیست، و رهبانیت امت من در جهاد است.» سپس فرمود: «همانا انسان‌هایی قبل از شما بر اثر سخت‌گیری بر خود به هلاکت رسیدند. آنان زندگی را بر خود دشوار ساختند، خداوند نیز بر آنان سخت گرفت.»^۱

اصل ساده‌پوشی و بی‌تکلفی در پوشش

لباس و پوشش مناسب که با قد و قامت انسان سازگاری دارد و از راه حلال و مشروع تهیه‌شده و لو به ظاهر ساده باشد، علاوه بر آراستگی ظاهری، نقش مؤثر در آراستگی معنوی انسان نیز دارد؛ زیرا اگر خدای نخواستہ لباس و پوشش از راه حرام به دست آمده باشد، نماز و عبادت که به آن بجا آورده می‌شود، صحیح نیست. چنین لباس و پوشش به ظاهر انسان را آراسته نشان می‌دهد ولی از معنویت دور می‌کند.

پیامبر اعظم ﷺ چنان ساده زندگی می‌کرد که در طول حیات مبارکش به هیچ جلوه‌ای فریبنده‌ای دنیا وابسته و علاقه‌مند نشد و چنان ساده‌پوش بود که هرچه فراهم بود می‌پوشید، چه قطیفه‌ای که به برکند، یا برد عالی بپوشد، چه جبّه پشمین. آمده است که پیامبر ﷺ «هرچه که از حلال میافت می‌پوشید»^۲ مهم برای پیامبر ﷺ مباح بودن جامه بود، نه قیمت، جنس، دوخت و نه جذاب‌بودن آن. در سخن دیگر آمده است که پیامبر ﷺ عبا داشت که هرگاه می‌خواستند

۱. نظیر این مطلب در تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۶۶۴ نیز آمده است. «فَإِنَّمَا هَلَكْتَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَمُ بِالنَّسَائِدِ، شَدُّوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَشَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ».

۲. محجه البيضاء، ج ۴، ص ۱۲۵. «مَا وَجَدَ مِنَ الْمُبَاحِ لَيْسَ».



نماز نافله بخوانند، آن را دولاً کرده و زیرش می انداخت. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر روی حصیر، و بدون هیچ فرش دیگری می خوابید.^۱
بنابراین لباس در صورتی موجب آراستگی انسان می گردد که به اندازه قد و قامت انسان بوده و مباح باشد.

لباس در صورتی موجب آراستگی انسان است که علاوه بر پاکیزگی آن، از نظر بلندی، کوتاهی، گشادبودن و... متناسب و به اندازه قد و قامت انسان باشد و نو و کهنه بودن و... ملاک نیست، جامه‌ای که تکبر و خود برتر بینی آورد یا انسان را مغرور و سرمست نماید، مذموم و ناپسند است. مقید شدن به نوع خاصی از لباس نیز اسارت آور خواهد بود. جامه بلندی که بر زمین کشیده شود نشانه تکبر است و در جاهلیت، شیوه اشراف جاهلی بوده است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن اینکه از پوشی

دن آن گونه جامه‌ها، نهی می کرد، خود جامه‌ای می پوشید که از نظر بلندی به قوزک پاهایش نمی رسید.^۲

از نشانه‌های وارستگی پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پوشیدن لباس و اینکه فخر خویش را در جامه و نوع آن نمی دانست، این بوده است که نقل شده هر نوع لباسی که فراهم می شد می پوشید، از لنگ و پیراهن یا جبّه یا هر چیز دیگر: برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مقید شدن به نوع خاص لباس مطرح نبود. چنانکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گاهی عبای کهنه و وصله داری داشت که آن را بر تن می کرد و می فرمود: «من بنده ام و لباس بندگان را می پوشم».^۳

۱. سنن النبی، ص ۱۲۳ و بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

۲. سنن النبی، ص ۱۲۰، محجه البیضا، ج ۴، ص ۱۴۱. «کانت ثبابه لها مُثْمَرَةٌ فوق الکعبین».

۳. سنن النبی، ص ۱۳۱.

اصل پاکیزگی

قرآن ضمن شمارش اهداف پیامبر ﷺ، می‌فرماید: «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ»، «و پاکیزه‌ها را برای مردم حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را حرام می‌نماید».^۱ در آیه دیگر، خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «وَتَيَّابَكَ فَطَهَّرْ»، «و لباست را پاک کن».^۲

امام صادق عليه السلام در ذیل این آیه فرمود: یعنی لباست را کوتاه کن.^۳ نیز در معنای این آیه فرمود: «لباست را بلند نکن و نگذار بر روی زمین کشیده شود».^۴ در تفسیر این آیه آمده است: در عصر جاهلیت، معمول بود که دامان لباس‌های خود را آن‌قدر بلند می‌کردند که روی زمین کشیده می‌شد. آیه فوق در حقیقت خطاب به مردم است و می‌گوید: پاکیزگی ظاهر لباس، از مهم‌ترین نشانه‌های شخصیت و تربیت و فرهنگ انسان است. از هر چه که موجب ناپاکی و نازیبایی می‌شود، دوری کنید و خود و لباس خود را پاکیزه و تمیز نگه دارید.^۵

حضرت امیرمؤمنان عليه السلام فرمود: «خداوند جمیل است و جمال را دوست دارد و دوست دارد آثار نعمت خود را بر بنده‌اش ببیند».^۶

اصل بهداشت بدن

حمام کردن، شستشو، نظافت بدن و زدودن موهای آن، عوامل تأمین سلامتی و نظافت و از نشانه‌های آراستگی است. گرفتن ناخن، چیدن موی سبیل و شارب، زدودن موهای زائد نیز از همین نمونه‌ها است.

۱. اعراف آیه ۱۵۷.

۲. مدثر آیه ۴.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۵۸.

۴. فروع کافی، ج ۶، ص ۴۵۶.

۵. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۱۲.

۶. الخصال، ج ۲، ص: ۶۱۳، «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يَحِبُّ أَنْ يَرَىٰ أُمَّرًا نَعَمْتَهُ عَلَىٰ عَبْدِهِ».



در روایت آمده است که خداوند به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ حنیفیه و پاکیزگی را فرستاده و آن ده چیز است که پنج تا در سر و پنج تا هم در تن می‌باشند که عبارتند از: گرفتن سبیل، آراستن ریش، خواباندن مو، مسواک کردن، خلال نمودن، ستردن مو از تن، ختنه، چیدن ناخن‌ها، غسل جنابت و شستشو با آب.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به نقل از پدانش عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل میکند که فرمود: «هر کس روز جمعه ناخن‌های خود را کوتاه کند، خداوند درد را از انگشتانش بیرون کند و درمان را در آن وارد سازد. کسی که چنین کند، گرفتار بیماری‌های جنون و دیوانگی، جذام و خوره و بیماری پیسی و لکه‌های سفید در پوست بدن نخواهد شد».^۲

در همین زمینه آمده است که وقتی نزول وحی بر پیامبر متوقف شد، به حضرت گفتند: ای رسول خدا، نزول وحی بر شما متوقف شده است؟ حضرت فرمود: «چگونه وحی از من دریغ نشود و حال آن که شما ناخن‌هایتان را کوتاه نمی‌کنید و بوهای نامطلوب را از خویش پاک نمی‌سازید. [یا بین انگشتانتان را پاکیزه نمی‌کنید]».^۳

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «همانا ناخن‌ها کوتاه می‌شوند، به دلیل اینکه محل استقرار شیطان است و بر اثر (آلودگی) آن فراموشی به وجود می‌آید».^۴

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «کوتاه کردن ناخن‌ها از بیماری‌ها جلوگیری می‌کند و باعث سرازیر شدن روزی می‌شود».^۱

۱. الکافی، ج ۶، ص ۵۰۷.

۲. الخصال، ج ۲، ص: ۳۹۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أُخْرِجَ اللَّهُ مِنْ أَمَامِهِ الدَّاءُ وَ أُدْخِلَ فِيهِ الدَّوَاءُ وَ زُوِيَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ جُنُونٌ وَ لَا جَذَامٌ وَ لَا بَرَصٌ».

۳. مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۵۴. «و كيف لا يحبس عني الوحي وأنتم لا تَقْلِمُونَ أظفاركم ولا تنفون روائحكم».

۴. مکارم الاخلاق، ص ۶۴. «انما قُصَّتِ الْأَظْفَارُ؛ لِأَنَّهَا مَقِيلُ الشَّيْطَانِ وَ مِنْهُ يَكُونُ النَّسِيَانُ».

از دیگر عناصر مهم در زیبایی ظاهری، پوست روشن، لطیف و سالم است و از زمان‌های دور استفاده از مواد گیاهی و روغن‌های مفید برای حفظ پوست امری رایج بوده است. آموزه‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز نشان دهنده اهمیت آن برای تمامی افراد اعم از زن و مرد است.

امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام می‌فرماید: «روغن زدن پوست را نرم و نیروی عقل را زیاد می‌کند و آلودگی پوست را برطرف می‌سازد و به آن روشنی می‌بخشد».^۲

مسواک زدن نیز در فرهنگ نبوی ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، به دلایل گوناگون لازم شمرده شده است، و فرموده‌اند برای هر وضو یا هر نماز مسواک بزنید.^۳ و از نشانه‌های بارز و مهم نظافت و پاکی مسواک کردن است؛ پیامبر ﷺ اهمیت فراوانی به مسواک و بهداشت دهان می‌داد؛ دندان‌هایش پیوسته براق و سفید بود و امت خویش را هم به مسواک زدن دستور می‌داد و می‌فرمود: «دهانتان را با مسواک خوشبو کنید».^۴ دندان‌های تمیز و سالم و سفید، بر زیبایی انسان می‌افزاید و بوی بدن دهان مانع ارتباط بهتر با دیگران می‌شود. برای سلامتی دهان و دندان تأکید بسیاری بر مسواک زدن شده است. امام صادق علی‌علیه‌السلام مسواک را پاک کننده دهان و آن را از سنت‌های پیامبران^۵ و اخلاق رسولان الهی^۶ برشمرده است.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «آن چنان جبرئیل مرا به مسواک زدن سفارش کرد که گمان بردم آن را واجب خواهد کرد».^۷ و در حدیث دیگر ایشان



۱. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۲۵؛ وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۱؛ الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰. «تقلیم الاظفار یمنع الداء الاعظم و یدنر الرزق».

۲. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۹. «الدهن یلین البشره و یزید فی الدماغ و یدهب القشَف و یُسْفِرُ اللّون».

۳. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۲۶.

۴. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، ص: ۵۶۰. «طیبوا افواهکم بالسواک».

۵. الکافی، ج ۶، ص ۴۹۵.

۶. همان.

۷. همان. «ما زال جبرئیل یوصینی بالسواک حتی ظننتُ انه سیجعلهُ فریضه».

می فرماید: «اگر نمی ترسیدم که امتم به زحمت بیفتند، به آنها دستور می دادم برای هر نماز مسواک بزنند»^۱.

امام صادق علیه السلام برای مسواک زدن دوازده ویژگی و فایده را برشمرده و فرموده است:

«در مسواک زدن دوازده خصلت وجود دارد: از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است، موجب پاکی دهان است، نور دیده را جلا می دهد، زردی یا پوسیدگی دندان را از بین می برد، لثه را محکم می کند، اشتهای به غذا را زیاد می گرداند، بلغم را از بین می برد، حافظه را افزایش می دهد، ثواب ها را چند برابر می کند و ملائکه را شاد می گرداند»^۲.

بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله بهداشت بدن را مهم می شمرد و به موقع حمام می کرد و موهای زاید بدن را می زدود و روغن های خوشبو به موهای سر و صورت می زد و مسواک را نیز اهمیت فراوان می داد.

اصل بهداشت محیط

نظافت و پاکی محیط، تأثیر شگرفی در روح و روان آدمی دارد؛ محیط پاک و آراسته و خرم، زندگی را شاداب و معطر می سازد. بخشی از احادیث شریف مناهی النبی صلی الله علیه و آله به مسأله بهداشت و نظافت محیط زیست اختصاص دارد، مانند اینکه فرمود: «از ادرار کردن زیر درختان میوه نهی شده است و از ادرار کردن در وسط جاده و محل عبور و مرور بپرهیزید... و از بول کردن در آب راکد نهی شده است؛ چرا که مایه از بین رفتن عقل است»^۳. در واقع پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اهمیت فراوان به بهداشت محیط زیست داده و فرموده است: «خاکروبه (زباله های منزل) را پشت در

۱. فقه الرضا، ص ۱۳۷، باب صلاة اللیل. «لو لا أن أشق علی أمتی لأمرتهم بالسواک مع کل صلاه».

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۹۶؛ الخصال، ص ۴۸۱.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۴. «و نهی أن یبول أحدٌ تحت شجرةٍ مثمرةٍ أو علی قارعة الطریق ... و نهی أن یبول أحدٌ فی الماء الرأكد فإنه منه یكون ذهاب العقل».

نریزید که جایگاه شیطان است»^۱، و نیز توصیه به جاروب نمودن و تمیز کردن جلوی منزل فرموده که: «آستانه خانه خود را برویید و مانند یهود نباشید»^۲. و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «تارهای عنکبوت را از خانه‌هایتان بگیرید زیرا ترک کردن آنها باعث ناداری می‌شود»^۳. حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «ظرفها را بدون روپوش نگذارید زیرا شیطان آب دهن در آنها انداخته از آنها استفاده می‌کند»^۴.

بنابراین بهداشت محیط زیست ارمغان اسلام و سنت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در متون دینی بیان شده است و با پیاده نمودن و عمل کردن به این سنت، مشکلات زیست محیطی حل و همگان در یک فضای سالم و با صفا و به دور از آلودگی، زندگی خواهد کردند.

اصل اظهار نعمت

«وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»، «و نعمت‌های پروردگارت را بازگو و آشکار کن»^۵. یکی از مصادیق آشکار نمودن نعمت (که بخشی از شکر نعمت است) این است که انسان لباس مناسب و پاکیزه بپوشد و ظاهر آراسته داشته باشد و از مواهب بهداشت، کمال استفاده را بکند.

مسلمانی با لباس نامرتب و ژولیده به محضر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: «آیا ثروت داری؟» او گفت: آری، خداوند همه گونه ثروت را به من داده است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اگر دارای ثروت هستی، پس باید اثر آن در تو دیده شود (یعنی لباس تمیز، زیبا و خوبی داشته باشی، نه لباس کثیف و مندرس)»^۶.

۱. بحارالانوار، ج ۷۶ ص ۱۷۷.

۲. المحاسن، ج ۲، ص: ۶۲۴، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «اَكْبَسُوا اُنْفُسَكُمْ وَلَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ».

۳. قرب الإسناد (ط - الحدیث)، النص، ص: ۵۲، قَالَ اميرالمؤمنين عليه السلام: «نَطَّفُوا بِيُونُكُمُ مِنْ حَوَكِ الْعَنْكَبُوتِ فَاَنْ تَرَكَهٖ فِي الْبَيْتِ يُوْرِثُ الْفَقْرَ».

۴. بحارالانوار، ج ۷۶ ص ۱۷۶.

۵. ضحی آیه ۱۱.

۶. سنن نسائی، ج ۸، ص ۱۹۶، «إِذَا كَانَ لَكَ مَالٌ فَلْيُرَّ عَالِيكَ».



امام صادق علیه السلام به عبید بن زیاد فرمود: «آشکار ساختن نعمت در پیشگاه خدا محبوب‌تر از نگه‌داری نعمت است. پس با بهترین و زیباترین شکل از نظر قوم خودت، ظاهرت را آراسته کن.»^۱ از آن پس، هرگز عبید بن زیاد دیده نشد مگر این که با زیباترین شکل قوم خود، بیرون می‌آمد، تا عمرش به پایان رسید. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آشکار نمودن نعمت که در آیه ذکر شده، چگونه است؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «لباسش را پاکیزه سازد، خویش را خوشبو کند، خانه‌اش را گچ‌کاری نماید و آستانه خانه‌اش را جارو کند.»^۲ بنابراین طبق دستور قرآن باید اظهار نعمت الهی داشته باشیم و این مهم به واسطه ظاهر آراسته محقق می‌گردد.

اصل رعایت همسررداری در آراستگی ظاهر

جلب کردن توجه همسر به عنوان شریک زندگی، تنها از راه ثروت، زیبایی و دانش نیست، بلکه نیازمند به کار بستن شیوه‌های ظریف و ویژه است. از آن جمله دقت در پوشش و آراستگی ظاهر است که در واقع از اصول حاکم بر خانواده آرمانی است. ارزش زندگی ایجاب می‌کند که آراستگی زن و شوهر تا پایان زندگی ادامه یابد. زن و شوهر باید همواره ظاهری آراسته برای یکدیگر داشته باشند، به گونه‌ای که طرف مقابل به او رغبت کند و در کنار او بنشیند و با او سخن بگوید.

مردی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، آن حضرت موهای سفیدی در ریش او دید، فرمود: «این نوری است که حاکی از آن است که جوانی خود را در اسلام پیر نموده است و همین سفیدی ریش برای او در قیامت، نور خواهد بود.» آن مرد رفت و موی صورتش را حنا کرد، و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این خضاب نشانه نور و اسلام است.» او رفت و این بار محاسن خود را به رنگ

۱. فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۰، «إظهار النعمة أحب إلى الله من صيانتها، فإياك أن تتزين إلا في أحسن زي قومك».
۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۱ «يُنظف ثوبه، و يطيب ريحه، و يخصص دارة، و يكنس أفئته...».

سیاه رنگ کرد و به حضور رسول خدا ﷺ آمد، رسول خدا ﷺ به او فرمود: «این خضاب، نشانه نور، اسلام، ایمان، جلب محبت زنان شما، و مایه ترس افکندن در دل های دشمنان شما است»^۱.

حضرت زهرا علیها السلام، همواره در همه زمینه ها و از جمله در روش همسررداری الگو بود. دل و جان فاطمه علیها السلام در کمال حسن نیت و صمیمیت در برابر همسر بزرگوارش بود و حُسن سریره او، زیباترین زیبایی ها را در پیش چشمان مبارک علی علیه السلام به تماشا می گذاشت. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در اشاره به آراستگی ظاهر و باطن فاطمه علیها السلام می فرمود: «هرگاه به او می نگرستم، همه ناراحتی ها و غم هایم برطرف می شد»^۲.

این بانوی بزرگوار می کوشید در محیط خانه و خانواده، عطراگین و آراسته باشد و موهبت زیبایی و جمال بی مثالی را که خداوند به ایشان ارزانی کرده بود، با زینت جلا دهد و آن را برای علی علیه السلام عرضه کند. آن حضرت همیشه نزد خود عطر نگه می داشت. ام سلمه می گوید: از ریحانه پیامبر خدا ﷺ عطر خواستم و گفتم: سرورم! آیا عطر و بوی خوشی نزد خویش دارید. ایشان فرمود: «آری.» و بی درنگ شیشه عطری درآورد و اندکی از آن را بر کف دستم ریخت. بوی خوشی از آن برخاست که هرگز به مشامم نرسیده بود»^۳.

۱. الکافی، ج ۶، ص: ۴۸۰، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَظَنَرَ إِلَى الشَّيْبِ فِي لِحْيَتِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي الْإِسْلَامِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَخَضَّبَ الرَّجُلُ بِالْحِنَاءِ ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ رَأَى الْخَضَابَ قَالَ نُورٌ وَ إِسْلَامٌ فَخَضَّبَ الرَّجُلُ بِالسَّوَادِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ إِيْمَانٌ وَ مَحَبَّةٌ إِلَيَّ نِسَائِكُمْ وَ رَهْبَةٌ فِي قُلُوبِ عَدُوِّكُمْ.

۲. كشف الغمّة في معرفة الأئمّة، ج ۱، ص: ۳۶۳، «وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهَمُومُ وَ الْأَحْزَانُ».

۳. الأمالي (للطوسي)، النص، ص: ۴۱، «فَسَأَلْتُ فَاطِمَةَ هَلْ عِنْدَكَ طِيبٌ ادَّخَرْتَهُ لِنَفْسِكَ قَالَتْ: نَعَمْ، فَأَنْتَ بِقَارُورَةٍ فَاسْكَبْتِ مِنْهَا فِي رَاحَتِي، فَشَمَمْتُ مِنْهَا رَائِحَةً مَا شَمَمْتُ مِنْهَا قَطُّ».

نتیجه‌گیری

سیره و رفتار پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برترین الگویی کمال‌جویی است. آن حضرت مظهر کامل و نماد برجسته آراستگی بوده است که با توجه به سیمای ظاهری و شمایل نمونه حضرت، جلوه و درخشش ویژه داشت. آراستگی ظاهری، رسیدگی به وضع ظاهری از نظر پاکی و پاکیزگی، نظم در پوشاک، چهره و... به منظور استفاده بهینه از امکانات موجود است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آن توجه شایان داشته است.

۲۸

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نظافت و پاکی بدن اهمیت فراوان می‌داد و مسواک کردن را مورد تأکید قرار داد. او همیشه معطر بود و دیگران را نیز به استعمال بوی خوش توصیه نمود. مصرف در بوی خوش را اسراف به حساب نیاورد. بهداشت محیط زندگی فردی و اجتماعی را، بسیار مهم شمرد و به رعایت آن به خاطر سلامتی خود و دیگران توصیه و تأکید نمود. بنابراین باید گفت اسلام، روی اصل آراستگی ظاهر (هم‌چون آراستگی باطن) تأکید کرده است. بنابراین، باید توجه داشت که اگر مسلمانی با وضع آشفته و ظاهری زشت و پریشان در جامعه ظاهر شود، به خصوص اگر از نظر شغلی، وابستگی به حکومت اسلامی داشته باشد، وجود او یکی از وسایل تبلیغ علیه اسلام خواهد بود. وارستگی از قید ظواهر، هرگز به این معنا نیست که شخص خود را از هرگونه آرایش ظاهری محروم کند و بدین وسیله در نظر دیگران خوار و بی‌مقدار جلوه نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶. انتشارات دارالتقنین، ۱۳۹۳.
۲. محمد بن حسن طوسی، امالی، ج ۱. انتشارات اندیشه، ۱۳۹۴.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۶، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی ج ۱، نشر زیارت، ۱۳۹۸.
۵. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، نشر آل علی، ۱۳۹۷.
۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱. انتشارات زرین، ۱۳۸۷.
۷. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۸. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳۰، قم: نشر آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۹. موسوی بردکشی، سید جواد و حسینی ایمنی، سید علی اکبر، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۵، انتشارات امیرالمومنین (ع).



